

اسامی مخالفین. آقایان: یمن الملک. مصدق الملک. المونی. مشارعظم. شریعت زاده.

رئیس. واپرت. کمیسیون مبتکرات. راجع بالغاه قانون منع صدور پوست بره مطرح است.

(واپرت مزبور بمضمون ذیل

خوانده شد)

کمیسیون مبتکرات طرح قانونی جمعی از نمایندگان معترزم را راجع بالغاه قانون منع صدور پوست بره باتفاق آراء قابل توجه میداند.

مخبر ضیاءالواظین

رئیس. آقای اخگر

(اجازه)

اخگر. موافقم

رئیس. آقای دست غیب

(اجازه)

دست غیب. موافقم.

رئیس. آقای زهیم

(اجازه)

زهیم. بنده در دستور عرض داشتم. چون وقت گذشته است و مذاکرات در این قضیه هم طولانیست خوبست جلسه ختم شده و بماند برای جلسه دیگر.

رئیس. پیش نهاد کنید رأی گرفته میشود.

(پیشنهاد خود را نوشته

تسلیم نمودند)

رئیس. آقای زعیم پیشنهاد کرده اند جلسه ختم شود.

جمعی از نمایندگان. صحیح است.

رئیس. آقای حاج میرزا عبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب. عرض میکنم این مسئله باید قابل توجه بشود و آن قدری معطلی ندارد که مذاکرات طولانی در آن بشود خوبست حالا که داخل درشور شده ایم قابل توجه بشود و بکمیسیون برود و دیگر مذاکره بمقیده بنده لازم ندارد.

رئیس. رأی میگیریم پیشنهاد آقای زهیم. آقایانیکه تصویب میکنند فرمایند (جمع کثیری برخاستند)

رئیس. تصویب شد. آقای معاون هم برای جواب سؤالات حاضر شده بودند.

(معاون وزارت داخله حاضر بودند)

رئیس جلسه آتیه روز یکشنبه دستور

اولا خبر کمیسیون مبتکرات راجع بامکان عضویت در دو کمیسیون معمولی و دو کمیسیون فوق العاده.

ثانیاً خبر کمیسیون مبتکرات راجع بالغاه قانون منع صدور پوست بره.

ثالثاً خبر کمیسیون بودجه به پرداخت قروض نظمیة مشهد

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر

ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی.

موتمن الملک

منشی. علی اقبال الملک

منشی. معظم السلطان

جلسه ۷۰

صورت مشروح مجلس

یوم یکشنبه بیست و هفتم

میزان یک هزار و سیصد و سه

مطابق بیستم ربیع الاول

یک هزار و سیصد و چهل و سه

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر ریاست

آقای موتمن الملک تشکیل گردید.

(صورت مجلس یوم سه شنبه ۲۲ میزان

را آقای اقبال الملک قرائت نمودند)

رئیس. آقای اخگر

(اجازه)

اخگر. بنده بعد از تصویب صورت

مجلس عرضی دارم

رئیس. آقای حاج میرزا عبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب. بنده بعد از

تصویب صورت مجلس عرضی دارم.

رئیس. آقای دست غیب

(اجازه)

دست غیب. بنده را جز عذر آمدگان

آمدگان بی اجازه نوشته اند گمان می

کنم اشتباه شده باشد بنده سروقت حاضر

بودم.

رئیس. تحقیق میشود اگر اشتباه

شده باشد اصلاح میشود.

آقای معتمد السلطنة

(اجازه)

معتمد السلطنة. بنده در دستور عرضی

دارم.

رئیس. آقای زعیم

(اجازه)

زعیم. در صورت مجلس آن قسمتی

که راجع بتقاضای آقا شیخ محمد علی

طهرانی در خصوص قرائت آراء

نوشته شده است جزء جزئش صحیح است

ولی در طرز تحریر چون تقدم و تاخر پیدا

کرده مطلب قدری پیچیدگی پیدا می کند

همانطور که در صورت مجلس نوشته

شده است آقای آقا شیخ محمد علی تقاضا

کردند آرائی که در مورد لایحه مربوط

بود اغیانس داده شده در جلسه علنی

قرائت شود بعد از آن مقام محترم ریاست

فرمودند. . .

رئیس. چطور فرمودید؟ راجع به

بود اغیانس چه؟

زعیم. عرض کردم در صورت مجلس

طوری که نوشته شده مقدم و مؤخر شده و

قدری پیچیدگی پیدا کرده است برای

ادلاح آن عرض کردم که آقای آقا

شیخ محمد علی تقاضا کردند این آراء

در جلسه علنی خوانده شود.

رئیس. کدام آراء؟

زعیم آراء راجع به بود اغیانس.

بعد از مذاکره از طرف مقام ریاست

گفته شد چون مربوط بنظامه است سابقه

هم ندارد و اگر لازم است باید پیشنهاد

بشود که ماده راجع باین موضوع در

نظامنامه داخلی اصلاح شود.

بعد از فرمایش مقام محترم ریاست بنده

عرض کردم چون در نظامنامه داخلی معنی در

خواندن آراء نشده و در قانون اساسی

هم اصلی دارد. که مصرح است که باید

آراء نمایندگان طوری واضح و آشکار

باشد که حتی روزنامه نویس و تماشاچی هم

بشنوند اشکالی ندارد که آراء در مجلس

قرائت شود و يك صدای صحیح است صحیح

است هم بنده شنیدم اینجاد در صورت مجلس

طوری نوشته شده که مقام ریاست این

طور بیان فرمودند مثل اینکه مطلب موکول

شده باینکه حتماً در نظامنامه قید شود در

صورتیکه بنده مانعی نییستم آراء راجع

به بود اغیانس در مجلس علنی قرائت شود.

رئیس. (خطاب آقا شیخ محمد علی)

شما پیشنهاد کردید آرائی که نسبت به

بود اغیانس داده شده قرائت شود یا بطور

کلی هر وقت باورقه رأی گرفته میشود.

آقا شیخ محمد علی طهرانی. بنده بطور

کلی پیشنهاد کردم که کلیه آراء خوانده

شود و آراء راجع به بود اغیانس بخصوص در

جلسه بعد قرائت شود.

رئیس. بطور کلی پیشنهاد کردید یا

بطور خصوصی؟

طهرانی. بنده کلیه را پیشنهاد کردم

و مخصوصاً مسئله بود اغیانس را تقاضا کردم

بخوانند.

رئیس. چون کلی بود بنده عرض

کردم که چون مربوط بنظام نامه است

باید پیشنهاد کنید در نظامنامه اصلاح شود

ممکن است بماده ۸۵ و ۸۶ نظامنامه

مراجعه فرمائید تا مطلب حل شود

ولی اگر بخصوص راجع به بود اغیانس

تقاضا دارید اگر مجلس اجازه میدهد الان

بگویم بیاورند بخوانند.

جمعی از نمایندگان مانعی ندارد

رئیس آقای آقا میرزا سید حسن

کاشانس

(اجازه)

آقا میرزا سید حسن. بنده راهم

جزودیر آمدگان بی اجازه نوشته اند بنده

سر وقت آمده بودم

رئیس. آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب. بنده خیلی خوشحال

شدم از اینکه آقا تکرار کردند

آراء خوانده شود و از مقام ریاست هم

خوشنودم که فرمودند آراء را بیاورند

بخوانند و بنده خیلی خوشوقت که در پاچه

ارومیه را بواسطه این رأی که دادیم نجات دادیم.

رئیس راجع بصورت مجلس است؟

آقا سید یعقوب. بنده هم چون رأی دارم

ام خواستم این عرض را کرده باشم.

رئیس. نسبت بصورت جلسه ایرادی

نیست؟

(گفته شد خبر)

رئیس. آقای اخگر

(اجازه)

اخگر. البته خاطر محترم آقایان

نمایندگان از خساراتی که متأسفانه بمحصلات

اطراف وارد آمده و در تعقیب آن خسارات

قضیه گاو میری پیش آمده مستحضرند.

امساله شاید بوسیله اقدامات دولت

ممکن است قحطی نشود ولی اگر يك

توجه کاملی در امر زراعت نشود و يك

اقدامی برای ترقیه حال رعایا و زارعین

نشد ممکن است.

در سال آتیه بواسطه کم عمل آمدن حاصل

خساراتی متوجه دولت شود و بیم قحطی

سختی هم می رود اغلب زارعین حیوانات

برای بندن دارند و اغلب گاوهایشان هم مرده

و استطاعت خریداری گاو هم ندارند البته

اگر بخواهیم وجهی بر دولت تحمیل کنیم که

با آنها مساعدت کند میدانیم در بودجه

يك وجهی اضافه بر خرج موجود نیست و اگر

بخواهیم وسائل دیگری فکر کنیم شاید

منتج نتیجه نشود.

اینست که بنده پیشنهاد کردم دولت

مبلغ يك کرویر تومان از بانک شاهنشاهی

بوئیه يك قسمت خالصجات باربع صد هفت

استقراض کند و با همان ربح صد هفت

بزرار عین که از یا در آمده اند و از وسائل

زراعتی فاقد شده اند بدهند که تهیه گاو

و اسباب زراعت بنمایند و در سال آتیه مجدداً

از آنها مسترد نموده ببانك رد نمایند در

اینجا شاید بعضی از آقایان عقیده داشته

باشند که ربح صد هفت هم از زارعین

گرفته نشود

ولی در این صورت قریب سی و پنج هزار

تومان بر بودجه تحمیل خواهد شد و در

صورتی که رعایا الان تومانی ۳ قران قرض

میکند یعنی سی من گندم میگیرند که پس

از ۳ ماه پنجاه من پس بدهند با این ترتیب

ربح صد هفت برای آنها چیزی نیست و

باین وسیله ممکن است زراعت سال آتیه

اطراف طهران تأمین شود و از وجود

قحطی جلوگیری بشود

اینست پیشنهاد که تقدیم میکنم.

رئیس. آقای معتمد السلطنة.

(اجازه)

معتمد السلطنة. بنده خواستم تقاضا

کنم خبر نمره (۲۴) کمیسیون بودجه راجع

بورثه ضیاءالدین خان عضو مقتول وزارت

مالیه جزو دستور امر روز شود

رئیس - حالا داخل دستور میشویم اگر وقتی باقی ماند آن هم مطرح میشود.
اسامی که خواسته بودید قرائت میشود.

آقا سید یعقوب - بنده قبل از خواندگان اسامی اجازه میخواهم عرض کنم این اسامی از ۰۰۰ (صدای زنک رئیس - دعوت بسکوت آقا سید یعقوب - بنده اجازه خواستم.

رئیس - بنده هم اجازه ندادم. آقا سید یعقوب - بنده خیال کردم اجازه دادید.
رئیس - اسامی قرائت میشود. (بشرحی که در دوسیه نمره (۶۵) ضمیمه است قرائت شد)
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده عرضم این بود که این مسئله یعنی موضوع دریاچه ارومیه سابقه داشته در کابینه آقای امیرالدوله و آقای مستوفی الممالک این موضوع مطرح بوده خواستم تقاضا کنم که دوسیه این امر هم خوانده شود تا رفع اشتباه بشود و معلوم شود که ما از روی عام این کار را کرده ایم.

رئیس - عجلتاً که این مسئله مطرح نیست فقط بنا بود اسامی قرائت شود که قرائت شد این هم گفته شد
آرائی که با ورقه داده میشود معلوم نیست صحت ندارد

آرائی که داده میشود هر کس آراء را بخواهد ببیند مراجعه میکند و من هم با اداره تند نویسی میگویم اسامی را بایشان میدهند.

از چندی قبل باینطرف هم سپرده ام که دیگر اجازه بنده لازم نیست هر يك از آقایان بخواهند با اداره تند نویسی مراجعه کنند و صورت اسامی را بگیرند.

آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)
شاهزاده محمد هاشم میرزا - بنده در آخر جلسه عرضی دارم اجازه بفرمائید عرض کنم.

رئیس - آقای عراقی (اجازه)

حاج آقا اسمعیل عراقی اسامی رای دهندگان و آرائی هم که ورقه سفید داده بودند خوانده شد خوبست آرائی هم که از مجلس خارج شده اند اسامی شان قید شود ...

نجات - یعنی چه این ترتیب که نمیشود پس کاغذهای خزعل را هم بخوانند.

عراقی - کاغذهای سفارت انگلیس را هم بخوانند ...

نجات - مملکت را خراب میکنند باز هم حرف دارند ...

رئیس - پیشنهاد راجع بعضویت نمایندگان در کمیسیونها مطرح است قرائت میشود.

(بشرح آتی قرائت شد)
نظر باینکه برای عضویت کمیسیونهای فوق العاده احتیاج با انتخاب اشخاص متخصص و مطلع حاصل میشود و با اجرای ماده ۲۷ نظامنامه داخلی انجام پذیر نیست لذا ماده واحده ذیل پیشنهاد تصویب آن را از مجلس شورای ملی مستدعی است.

ماده واحده - هر نماینده در زمان واحد میتواند در دو کمیسیون دائمی و دو کمیسیون فوق العاده عضویت داشته باشد. تدین - حاج سیدالمتقین.

یک نفر از نمایندگان - خواندن امضاها لازم نیست
راجع بطرح تجدید نظر در ماده ۲۷ نظامنامه داخلی مجلس کمیسیون مبتکرات مذاکرات نموده چنین رأی داد که چون طرح اصلاح کلیه نظامنامه داخلی در مجلس مقدس مطرح و قرار است کمیسیون مخصوصی برای تجدید نظر در کلیه نظامنامه داخلی تشکیل شود این ماده هم یکی از مواد آن نظامنامه است طرح مزبور موقوف بماند تا در همان کمیسیون مخصوص مذاکره شود.

رئیس - این طرح از دستور خارج می شود چون بیش از ده امضاء ندارد طرح دیگر.

(بشرح آتی قرائت شد)
ماده واحده - مجلس شورای ملی قانون مورخه ۳۰ جوزا ۱۳۰۱ راجع بمنع صدور پوست بره الغاء مینماید.
کمیسیون مبتکرات طرح قانونی جمعی از نمایندگان محترم را راجع الغاء قانون منع صدور پوست بره با اتفاق آراء قابل توجه میدانند.

رئیس - آقای عماد السلطنه (اجازه)

عماد السلطنه موافقم.
رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)

دولت آبادی - بنده هم موافقم بایک شرطی.

رئیس - آقای زعیم (اجازه)

زعیم - بنده با این طرحی که راجع است الغاء قانون منع صدور پوست بره که در کمیسیون مبتکرات هم قابل توجه شده مخالفم و متأسفانه آن را قابل توجه نمی دانم و گمان میکنم اگر آقایان بخودشان زحمت مراجعه بذاکراتی که در دوره چهارم تقنینیه شده بود داده بودند آنها هم با بنده در این عقیده شریک میشدند و تصدیق میفرمودند که قابل توجه نیست.

برای اینکه مقصود از قانون منع صدور پوست بره جلوگیری از کشتار بره بود قیمت پوست کلیتاً در روی پوست بره های تودلی است.

که میش آستین را سرمیبرند برای پوست بره آن و این مسئله صرف نظر از این که دور از عاطفه و احساسات بشری است که نمی گذارند يك بره بقدر کامل از رحم استفاده کند یا از شیر مادرش استفاده کند اصلاً برای ارتزاق عمومی هم يك ضررهای دارد.

بعد از قانون راجع بتجارتخانه ملی افها که دوست هزار تومان هم دولت ضرر کرد دولت در صدور جلوگیری از کشتار بره بر آمد و به عموم مأمورین وزارت داخله و وزارت مالیه امر کرد که از بره کشی جلوگیری کنند.

این منعی که دولت کرد بواسطه عدم بصیرت مأمورین بایفاء وظیفه اسباب زحمت شد و از همه جا شکایات در این طرز جلوگیری از پوست بره بلند شد و خیلی صدمات بمردم وارد آمد.

بعد برای اینکه استفاده که از کشتن بره میشد و منفعتی که از او میبردند فقط بواسطه پوستش بود قانونی در مجلس وضع شد که در مقدمه آن قانون ذکر میشود که :

(برای جلوگیری از کشتار بره و حفظ منافع عموم آنچه پوست بره اعم از تودلی و غیره آن بخارج حمل می شود مأمورین گمرکی مکلفند در سرحد بمفع دولت ضبط نمایند)

بنده گمان میکنم اکثریت آقایان در اینکه باید جلوگیری از کشتار بره کرد موافق باشند.

حالا اگر فقط در قسمت تجارتی يك نگرانیهایی باشد از نقطه نظر اینکه پوست بره بخارج نمیرود و شاید از این راه نکتی بصدارات وارد میآید.

این را هم اگر با يك حساب دقیق تجارتی ببینید از پوست بره های تودلی و غیره برای ما بیشتر استفاده میشود ؟ یا اینکه بگذاریم بره هایشان هم بزرگ بشوند و از پوست و سایر چیزهای آنها هم تجارت کنیم.

البته اگر يك حساب دقیق تجارتی بشود بنده گمان میکنم که صرفه ما این باشد که از کشتن بره تودلی صرف نظر شود.

در اوقات جنگ بین المللی نظر به احتیاجاتی که در روسیه و بین النهرین مخصوصاً بگوسفند بود خود فروش گوسفند در ایران يك عایدات بزرگی شده بود ولی نتیجه این شد که نسل گوسفند در ایران کم شد و این قانون هم از نقطه نظر احتیاج

در دوره چهارم وضع شد و بنده خوش ندارم و صحتش نمیدانم از اینکه اسان بدون توجه با فکر ماسلف خود بیاید و يك کارهایی را بکنند و باید دید چه احتیاجاتی موجب شد که دوره چهارم این قانون را وضع کردند و آن احتیاجات هم هنوز بنظر بنده رفع شده است و قابل توجه شدن این لایحه یا این طرح موجب میشود که قانون نسخ شود و بنده چون باین طرح مخالفم و با قابل توجه بودنش هم مخالفم ضیاء الواعظین - مخبر گوسفینون مبتکرات - مخالفتی که آقای زعیم راجع باین لایحه فرمودند شروع میشد از عاطفه بشری نسبت بحیوانات یعنی باید بشر رقیق القلب و مهربان باشد و بغیر از جنس خود بدیگری صدمه نزند.

(خنده نمایندگان)
اینجا اگر درست توجه کنیم هم از نقطه نظر اقتصاد مراعات شده و می بینیم که هیچ لطمه هم بحیوانات و عاطفه بشری وارد نمیآید و همچنین بازراق عمومی ابتدا کشتار بره یا تجارت پوست بره که یکی از صادرات مهم ما است هیچ اشکالی وارد نمیکند چرا؟

برای اینکه هوای ایران با تربیت حیوانات خیلی مساعد است.
(خنده نمایندگان)
در ایران هر قسم حیوان بخوبی تربیت میشود.

ما از ممالک خارجه خیلی سراغ داریم که هوای آن مساعد برای تربیت حیوانات نیست ولی تجارت شیر و کره آن یکی از تجارتهای مهم آن بشمار میآید و ما اگر چنانچه اداره صحبه مان را مرتب کنیم و سرم های لازمه را به موقع خود داشته باشیم اگر معلمین مخصوص و متخصصینی که برای تربیت حیوانات خیلی لازم است آنها را جلب کنیم بقسمی ما میتوانیم از این صادرات و از این منبع عایدات خود استفاده کنیم شاید که ثروت و صادرات مملکت ما بعد از یکسال مضاعف خواهد شد.

پس از این لحاظ هم معلوم شد که لطمه بعایدات ما وارد نمیآورد.

و اما اینکه فرمودند اگر گوسفند ماده یا میشی کشته شود يك لطمه بزرگی بنسل حیوانات وارد میآورد.

بعقیده بنده خوب بود توجه میفرمودند باینکه اصلاً در ایلات و طوائف کشتن گوسفند ماده مشنوم است و حتی اگر گرسنه باشند و بچه شان از گرسنگی بمیرد ممکن نیست بچه حیوان ماده را بکشند غیر از آنست که نظر آقای زعیم بود و اما راجع به قسمت توجه بمعاملات ماسلف

این قسمت تقریباً روح تمام فرمایشات و خلاصه تمام مخالفت ایشان بود و قانونی را که در این خصوص در بدو امر وضع شده بود تذکر دادند و بعقیده بنده اگر يك قدری دقت میفرمودند خوب متوجه میشدند که این قانون در مقابل يك محظورات مهمه بوده است که دولت و ملت و مجلس در برابر آن محظورات آمده است این قرارداد را در مقابل دولت روس قبول کرده است.

و اینکه فرمودند توجه بعملیات ماسلف بکنیم اینطور میفهماند که عملیات ماسلف را هم امروز مورد اعتبار قرار بدهیم و آن محظورات را بشناسیم.

معنای توجه بعملیات ماسلف شناختن آن محظورات و موانع است و آقای زعيم بمناسبت اینکه در وزارت مالیه يك سوابقی دارند بعهده بنده خیلی آسان بود که تحقیق میکردند پوست بره از جهت صادرات چه رقم مهم و برجسته داشته و بالاخره بواسطه قانونی که در دوره گذشته وضع شد مملکت معلوم مانده است.

از این عایداتی که روز افزون بوده است چطور روز افزون بوده است؟ ماده دوازده جنس صادرات داریم.

صادرات مهم اصلی ما بنه است. قالی است. برنج است. پشم است. پوست بره است. و تریاک و صمغ و میوه جات و در میان این ارقام اگر مادقت کنیم هیچيك از آنها باندازه صادرات پوست بره روز افزون نیستند که هر سال يك مبلغ و يك رقم مهمی بر صادرات سنه مابقی افزوده شود.

در سال بیست و پنج هجری عایدات پوست بره عبارت بوده است از ده میلیون و هشتصد و چهارده هزار و صد و هیجده قران.

در سه سال بعد يك ثلث افزوده شده است که در سه بیست و هشت بعد از سه سال صادرات ما؛

پانزده میلیون و صد و بیست و پنج هزار و سیصد و قران بوده است که درست يك ثلث در این مدت سه سال بر آن افزوده شده است.

يك رقم از صادراتی که بعد از سه سال يك ثلث بر او افزوده میشود در حالیکه با ارقام عمومی لطمه وارد نمیاورد و منافعی که هم عاید تمام طوائف یعنی ایالات و اشخاصیکه در اقصای نقاط بلوچستان میروند و يك گله گوسفند میخرند و میآورند میشود و در حقیقت عایداتش بین تمام طبقات تقسیم میشود البته سزاوار نیست که ما این رقم از صادرات را از بین ببریم و خیلی هم متشکرم که اداره گمرک ما باین حسن عملی کار هارا مرتب و منظم کرده است و در فاصله

دو ساعت یکصورت مفصل مطمئنی بماده است)

بعد از سه ۱۳۳۰ قمری که ۱۲۹۱ شمسی میشود عایدات ما از صادرات پوست بره پانزده میلیون و سیصد و پنجاه هزار و دویست و پنجاه و نه قران بوده است.

يك صادراتی که بهمه جای دنیا رفته و تجارتش در آلمان و بلژیک و انگلیس و آمریکا زواج داشته

مخصوصاً يك قسمت از این صادرات بر وسیله رفته است

در سنه ۱۳۳۱ صادرات ما شده است

دوازده میلیون و دویست و شصت هزار و هشتصد و هفتاد و نه قران.

در سنه ۱۳۳۲ که جنگ شروع شد است ننگی در این عایدات وارد آمده است و معذرت باینکه بواسطه جنگ لطمه وارد شده باز عایدات صادرات پوست بره هشت میلیون و پانصد و هفتاد هزار و هشتصد و هشتاد و هشت قران بوده است بعد همینطور در مدت جنگ عایدات کم می شود. تا سنه ۱۳۳۶ که بر وسیله رفته

پنج هزار و یکصد و چهل قران ولی جنگ که تمام شده یکمرتبه عایدات ترقی کرده و بعد از آن پنج هزار و فلان قران.

در سنه ۱۳۳۷ یکمرتبه ترقی کرده و بدو میلیون و هفت صد و بیست و هفت هزار و سیصد و هشتاد و نه قران رسیده

در سنه ۱۳۳۸ که مطابق سنه ۲۰۹۹ شمسی است سه میلیون و سیصد و شصت و نه هزار و نوزده قران بالغ شده و یکسال بعد سه میلیون و هشتصد و هشتاد و نه قران رسیده تا سنه اخیر که این قانون در مجلس شورای ملی تصویب شده این عایدات پوست بره همینطور مضاعف شده و در سال ۱۳۴۱ بدو میلیون و در سال ۱۳۴۲ پانزده میلیون و ششصد و هفتاد و هفت هزار و سیصد و نوزده قران رسیده

مشارعظم - پارسال که منع شده بود.

ضیاء الواعظین - ولی مدتی مهلت داشته است.

این تنها صادراتی بوده است که از گمرک خارج شده.

تصور نکنند که فقط همین بوده است بلکه این ارقام هم بطور ترتازیت خارج شده است.

صادرات پوست که در هزار و سیصد و بطور ترتازیت داشته ایم،

دو میلیون و نهصد هزار و کسریست که جمع دو رقمه میشود،

شش میلیون و هشتصد و سی و یک هزار و هشتصد و سی و هفت قران.

دوسته هزار و سیصد و یک صادرات همان بود که عرض کردم ترتازیت هم اضافه شده که هر دو رقمه مجموعاً میشود نوزده میلیون و دویست و هفتاد و هفت هزار و صد و هشتاد و نه قران.

و در سنه اخیریکه این قانون از مجلس گذشته است جمع صادرات و ترتازیت بیست و سه میلیون و ششصد و پنجاه و هشت هزار و پانصد و سی و چهار قران بوده است این مبلغ صادرات این منبع مهم ما بوده است در صورتیکه اگر خوب تحقیق کنیم، اگر دریالات و هشایر برویم و در دهات سفر کنیم میبینیم که از کشتن بره نسل قطع نمیشود و ابداً تصدیقاتی بر اوراق عمومی وارد نمیشود علاوه هیچ فرق نمیکند زیرا گوسفندی در سال اگر دقت اول بره اش را بکشند و از شیر بگیرند دو باره آبستن خواهد شد ولی اگر بچه اش را نکشند همان یکدفعه آبستن میشود.

پس از این حیث هم فرق نمیکند و این یکی از صادرات مهم ایرانست که ما از هرا میگیریم صاحبان مواشی سالی يك دفعه اش را برای ازدیاد صادرات و تحصیل پوست میکشند و دفعه دوم آنرا برای حفظ نسل و اوراق عمومی نگاه میدارند علاوه هزاران اشخاص از این منبع زندگانی میکنند و باینکه همیشه از اطراف سعی میشده است که صادرات مانکت پیدا کند و غالباً دچار این محظور بوده ایم.

این یکی از کوچکترین صادرات ما است يك عایدی خوبی برای ما شمرده میشده و پوست شیراز که خیلی مرغوب است و در فرنگستان معروف پوست بغار است بنده خوب بخاطر دارم که متجاوز از سه چهار هزار نفر از این راه با کمال خوبی زندگانی میکنند و این پوست را آنرا در شیراز تهیه میکنند.

با ذکر این مراتب گمان میکنم مذاکراتهم کافیست و کمیسیونهم بهمین جهت و بواسطه همین تحقیقات بقابل توجه بودن این لایحه رأی داده است.

وزیر عدلیه - آقای منصور السلطنه را بسمت معاونت وزارت عدلیه بمجلس شورای ملی معرفی میکنم.

رئیس - آقای وکیل الملک.

(اجازه)

وکیل الملک - آنچه را که از فرمایش نماینده محترم مغیر کمیسیون استنباط کردم دلائل و فلسفه که برای الفاء این قانون بیان کردند از اول تا آخر تمام حاکی از این بوده که علت الفاء این قانون برای ازدیاد عایدات و صادرات است.

غیر از این بنده دیگر چیزی استنباط نکردم.

در دوره چهارم تمام این پیش بینیها

شده در اطراف این موضوع مذاکران زیاد بعمل آمده

راست است که این ترتیب فذری بر صادرات مملکت ضرر دارد ولی از آن طرف از پشم گوسفند این کسر جبران شده و جابجا میشود و در آن موقع یکی از علل وضع این قانون همانطور که آقای زعيم اظهار کردند برای این بود که نسل گوسفند کم نشود.

ولی امروزه يك علت مهم دیگری به ثبت این قانون را ایجاد میکند و آن قانون استعمال البسه وطنی است که از مجلس گذشته است ما میخواهیم مردم را تشویق کنیم که البسه وطنی بپوشند و درست شدن البسه وطنی هم ازدحوال خارج نیست با از بنیه بافته میشود یا از پشم و اگر بلیست گمرک ملاحظه بفرمائید که اینها هر دو بخارج حمل میشوند و سابقاً بواسطه نبودن ماشین نتوانسته ایم پازچه بیالیم ولی امروزه که در همه نقاط ماشینهای دستی وارد میشود و سعی میکنیم که ما بهیچ خودمان را خودمان اداره کنیم تا شاید کمتر محتاج بخارج باشیم پشم زیاد برای مصرف داخلی لازم است.

قیمت يك پوست بره از سه قران الی ۱۰ قران بیشتر نیست ولی اگر این بره کشته نشود و گوسفند بشود در ظرف ۵ سال معادل قیمت پوستش بلکه بیشتر پشم دارد و اگر این قانون لغو شود و قانون استعمال البسه وطنی هم در مملکت بنا شود باقی بماند آنوقت ناچاریم پشم را بخارج بیاوریم زیرا نسل گوسفند بهرور کم خواهد شد.

چنانچه خودتان فرمودید در یکسال ده میلیون و در سال دیگر ۱۵ میلیون عایدات این صادرات بوده بهمین میزان هم همه ساله از جنس گوسفند و بره کم خواهد شد و تا بیست سال دیگر نمیدانم عاقبت این سیر تصاعدی بکجا خواهد گشید.

با این ترتیبات بنده عقیده ام اینست که الفاء این قانون بحال مملکت مضرات و نتیجه این میشود که اگر کارخانجاتی وارد کنیم باید پشم را هم از خارج بیاوریم امروزه يك کارخانهای مختصری در کرمان و زرد و اصفهان و کاشان دائر شده است و متصل در صدند که پشم تهیه کنند برای اینکه لباس وطنی بیافند گرچه هنوز استعمال البسه وطنی در تمام ادارات مامعول نیست و هنوز این قانون اجرا نشده.

ولی در وزارت جنگ و بعضی از جاهای دیگر که قانون استعمال البسه وطنی اجرا شده برای بافتن البسه وطنی محتاج به پشمند.

این بود عقاید بنده که عرض کردم دیگر خودتان میدانید.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - متأسفانه وقتیکه مجلس برای يك طبقه و صنفی که آشنا با وضع و احوال آنها نیست قانون وضع میکند بهمین چیز ها منحصر میشود.

مثلاً برای حداد یک نفر شخص اخلاقی نباید قانون وضع کند حداد يك ترتیب معین دارد اگر يك اشخاصی از مدرسه بیرون آمده و در علم اخلاق و شیمی و فیزیک آشنا باشند نمیتوانند برای حداد یا قصاب قانون وضع نمایند زیرا با وضع و احوال دکان حدادی و قصابی آشنا نبوده و مسلماً هم ندیده و از آن کار اطلاعی ندارد آنوقت نتیجه این میشود که مجبور میشویم يك قانون را بیکوقت ایجاد کنیم و یک موقع نسخ کنیم.

اولاً این مسئله يك قسمتش راجع به تجارت است و يك قسمتش هم راجع بصاحبان مواشی است حالا که ما موافقت و مخالفت میکنیم نمیدانیم از کدام يك از این دو قسمت هستیم که بتوانیم مایب و محاسن آنرا درست تشخیص بدهیم.

آقای وکیل الملک میفرمایند: چون ما يك قانونی برای امتعه وطنی گذرانده ایم بعداً محتاج پشم میشویم اگر بنامش بره کشی بشود بالاخره ما محتاج میشویم که پشم از خارج بیاوریم.

حالا اگر آقای وکیل الملک اطلاع داشتند که سالی چقدر پشم از ایران خارج میشود و میدانستند که این پشمها یکم خارج میشود فقط از سرحدات و سواحل است زیرا پشمهای داخله کرایه اش وفا نمیکند که حمل بهرصد بشود بخارج بشود شاید این فرمایش را نمی فرمودند ولی از روی يك نیت یا یکی این اظهار عقیده را می کنند.

بنده هم عقیده ایشانرا تصدیق میکنم و عرض میکنم اگر وقتی مادرای کارخانجات شدیم علاوه از این پشمی که داریم و چندین سال است حمل بخارج می کنیم ما میتوانیم تأمین ما بهیچ خودمان را بکنیم و علاوه بر آن باز بخارج هم خواهیم فرستاد و از این حیث کاملاً مطمئن باشند.

بعلاوه چند سال است بره کشی در این مملکت میشود هیچ نکتی و نقی در پشم و بره شما پیدا نشده اگر خیلی دلتان برای پشم میسوزد کاری نکنید که اساساً گوسفند خارج نشود و استانیستیک را ببینید سالی چند هزار گوسفند شما حمل بخارج میشود

مدرس - باید هم حمل بشود

کازرونی - بلی بنده هم تصدیق می کنم باید حمل بشود نه اینکه آنها را نگاه داریم یا پشم آنها را نگاه داریم تا وقتیکه کارخانه آمد استفاده کنیم هر وقت دارای کارخانه شدیم البته استفاده هم خواهیم کرد و يك قسمت از فرمایشات دیگر ایشان اخلاقی بود ظلم ب حیوانات فرق نمیکند توله سگ و بچه گربه و بچه موش اینها هم مثل هم است

فرقی نمیکند جان دارد.

جانهم هزار است بعلاوه بچه وقتی که در شکم مادر است کمتر حس دارد و در موقع کشتن لذتیش کمتر است شاهر روز میآید گوسفند حسابی را میکشید و دلتان نمی سوزد بلکه هر چه چرب تر و بهتر باشد آن را می پسندید. این دیگر چیست!!!

همین قدر لازم است عرض کنم آقایان که ما از صاحبان مواشی دلمان بیشتر نباید بسوزد زیرا آنها بصیرتر و داناترند در این قسمت همینطور که آقای ضیاء الواعظین فرمودند اگر يك میش باشد که بداند حامله میشود یا بچه دارد ممکن نیست او را بکشند و هر قیمت بیاورند راضی نمیشوند و بنده بلکه راضی است بچه اش بمیرد و بچه آن میش بمیرد و ممکن نیست که يك میش بی عیب و نقص باشد و حامله باشد بیاید او را بکشند.

ممکن است گوسفندها بعضی اوقات دو تا حامله باشند و یکی از آن دو تارامی کشته وقتی هم کشتند شیرش زیاد تر میشود فایده اش هم بیشتر میشود زود تر هم حامله میشود در هر صورت میخواهم عرض کنم که این قانونهایی که يك تصدیق است در مال مردمیکه خودشان دلشان بیشتر از ما برای مالشان میسوزد لازم نیست خوب است آنها را بحال خود بگذارند بهتر میتوانند خودشان را اداره کنند و در هوش این بیشتر توجهتان این باشد که يك چیزی بفرستید بخارج و عوضش وارد کنید بنده يك صورتی دارم بعضی آقایان میفرسانند امروز بر روز بهر طرف مرک میرویم اینها چه چیز است اینها چه قانون است بیشتر از این لازم نیست توضیحی عرض کنم (جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

(بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات کافی میدانند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است.

رأی گرفته میشود بمفاد رأی کسبیون مبتکرات یعنی آقایانیکه این طرح را قابل توجه میدانند نمایند (غالب نمایندگان برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد از انتخاباتیکه شده است نسبت بکمیسیونها فقط کمیسیون عدلیه و کمیسیون فوائده عامه را استخراج کرده اند در کمیسیون فوائده عامه کسی اکثریت پیدا نکرده در کمیسیون عدلیه هم فقط آقای مصدق السلطنه با پنجده رای انتخاب شده اند

آقای حاج عز الممالک (اجازه)

حاج عز الممالک - اعم از این که در نتیجه انتخابات کسی دارای اکثریت بوده و یا نبوده و یا انتخابات جلسه گذشته عرض داشتم

و آن این بود که مطابق نظامنامه داخلی چون این انتخابات خارج از محوطه مجلس شورای ملی شده است وحد نصاب شرکت در آن نکرده این انتخابات را بنده ناقص میدانم

زیرا ابتداء و انتهاء انتخابات مطابق نظامنامه اعلان نشده بوده است تا تمام و کلا در آن شرکت کنند و هیچ مانعی نداشت که تأمل شود قسمتی که شرکت نکرده اند شرکت کنند تا بعد نصاب برسد آن وقت اکثریت باهر کسی بود آن دم عضو کمیسیون شود بنده نسبت باینکه چه کسی عضو کمیسیون بشود و یا کی انتخاب بشود اهمیت نمیدهم برای اینکه بالاخره از بین آقایان نمایندگان کانی عضو مجلس شورا هستند انتخاب میشوند و میروند در يك کمیسیون رأی میدهند و اکثریت مجلس قاطع خواهد بود و هر نظری نسبت بانخابات باشد مربوط با اکثریت مجلس است ولی اساساً واحد نصاب شرکت در انتخاب نکنند بنده آن انتخابات را ناقص میدانم و عقیده ام این است که این انتخابات باید تجدید بشود

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - علی ایحال هیچکس مانع شرکت کسی در انتخابات نیست از آقایان مستخرجین بیرسند که چطور شده است که تمام نتوانسته اند در انتخابات شرکت کنند.

البته لازم است شرکت کنند و باید در کمیسیونها همه آقایان زحمت بکشند که وقت مجلس هم کمتر حد برود و بنده گمان میکنم هیچکس نظری نداشته باشد که بعضی از آقایان شرکت نکنند ولی باید از آقایان مستخرجین بیرسند که چه شده است که شرکت و دخالت نکرده اند و چه شده که منتظر نشده اند و الا مانع دخالت هیچکس هیچکس نبوده است و قضاوت هم با اکثریت مجلس است

نجات - شما خودتان بهتر میدانید چرا اینطور شده است.

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - چه منتظر نشده باشند و چه نه نشده باشند بهر حال عقیده ام این است که بایستی این انتخابات تجدید شود علاوه بر اینکه گمان میکنم بعد نصاب رسیده است يك مانع و محظور هم ندارد که تجدید انتخاب شود همه آقایان و کلا حاضرند و رأی هاشان هم حاضر است الا تجدید بشود و بر و بر رأی های خود را بدهند و این که آقای شیخ الرئیس فرمودند منطاعت اعتبار رأی اکثریت است البته اینطور است ولی يك عده در مجلس نشسته باشند و آنها رأی نداده باشند یا منتظر نشوند رأی آنها را بگیرند این اساساً خوب نیست و بر فرض این که بعد نصاب هم بوده است تجدید انتخاب

ضرر ندارد آقایان حاضرند و اساساً آقایانی را که باید برای کمیسیونها انتخاب کنند عقیده داشتند که کسی برود بفلان کمیسیون حاضر است ممکن است دومرتبه بروند و رأی بدهند

رئیس - آقای زعيم (اجازه)

زعیم - بنده در اینکه موافقم که مجلس باید در جزئیات امور داخلی مجلس باهم دیگر کار کنند و آقایان و کلا خودشان را در حکم يك عائله بدانند که باید در امور داخلی مجلس آنچه عظمت و جلال مجلس حکم میکند کار کند

ولی چون يك مسئله قانونی پیش آمده بنده ناچارم فرمایش عرس کنم اینکه آقای حاج عز الممالک فرمودند چون همه شرکت نکرده اند این انتخابات باطل است بنده باین قسمت اعتراض دارم چرا ؟ برای این که انتخابات در داخله مجلس نه در نظامنامه داخلی و نه در قسمت قانون اساسی که مربوطه بامور داخلی مجلس است چیزی ندارد که فرمایشات آقای حاج عز الممالک را برساند بلکه بر میگردد بقانون انتخابات عمومی که در آنجا قید شده است هر کسی از دادن رأی مستنکف متنع شناخته شد

سر کشیک نژاده - خارج از موضوع است.

زعیم - خارج از موضوع نیست يك کسی میخواهد رأی بدهد و چون شرکت نکرده البته انتخابات باطل نیست ولی بنده عقیده داریم که باید لیست اسامی آقایان نمایندگان را مجلس در انتخاب کمیسیونها جلو بگذارد

فرا کسیون ها نمایند داشته باشند و از روی تخصص اشخاصی که اطلاعاتشان بیشتر است برای کمیسیونها انتخاب کنند و بآن کمیسیون بفرستند و اگر خودش قبول نمیکند خواست کنند و او را بفرستند بآن کمیسیون تا جریان امور صحیح تر شود چون بنده صلاح نمیدانم که این موضوع در مجلس مطرح و سابقه شود با این که بنده در اقلیت هستم اگر يك عده ای رأی ندهند انتخابات باطل است این بفتح ما تمام میشود

ولی چون اقلیت و اکثریتی نداریم و این سابقه را هم برای مجلس خوب نمی بینم این است که بنده پیشنهاد میکنم بنفس داده شود تا در جلسه خصوصی این مسئله حل شود و آقای رئیس هم فرمودند قطار جاج يك نفر اکثریت حاصل شده است فرض می کنیم حالا اولش است و میرویم از شورای میدهیم این عقیده بنده است.

رئیس - آقایان باتنس موافقت **جمعی از نمایندگان** - صحیح **مدرس** - اگر تجدید کردند آقای مصدق السلطنه را باید دو مرتبه بنویسند یا خیر ؟

(در این موقع (یکساعت قبل از ظهر) جلسه برای تنفس تعطیل و دیگر تشکیل نگردید)
رئیس مجلس شورای ملی

مؤتمن الملک

منشی - علی اقبال الممالک

منشی - معظم السلطان

جلسه ۷۱

صورت مشروح مجلس

یوم سه شنبه ۲۹

برج میزان ۱۳۰۳ مطابق

۲۲ شهر ربیع الاول

۱۳۴۳

(مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر
بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل
گردید)

(صورت مجلس یوم یکشنبه ۲۷

میزان را آقای اقبال الممالک

قرائت نمودند)

رئیس - آقای نظام التولیه .

(اجازه)

نظام التولیه - میخواستم عرض کنم

نظمه مشهد بواسطه قروضی که برایش
پیش آمده خیلی در مضیقه افتاده بنده -
پیشنهاد میکنم رایورت کمیسیون بودجه
راجع بنظمه مشهد را در دستور مقدم
بدارند .

رئیس - آقای عراقی

(اجازه)

حاج آقای اسمعیل عراقی -

راجع بصورت مجلس عرضی ندارم بعد از
تصویب صورت مجلس

رئیس - آقای قائم مقام الملک .

(اجازه)

قائم مقام الملک - راجع بصورت

عرضی ندارم

رئیس آقای دامغانی .

(اجازه)

شریعتمدار دامغانی بنده در دستور

عرضی ندارم

رئیس - عده برای تصویب صورت

جلسه کافی نیست

نجات - آقایان چرانیانند چرا این -

طور میکنند

(چند نفر آقایان نمایندگان

وارد شدند)

رئیس - نسبت بصورت جلسه دیگر

ایرادی نیست

(اظهاری نشد)

رئیس - آقای عراقی

(اجازه)

حاج آقا اسمعیل عراقی - بنده

میخواهم خاطر مبارک آقایان نمایندگان
محترم را بدو مطلب متوجه کنم که در
قانون اساسی هم مصرح شده است و تصور
نمیکنم چه رفقای محترم بنده که در
فراکسیون اقلیت هستند و چه سایر آقایانی
که در سایر فراکسیون میباشند و چه سایر